

خبرنگارانی که از جملات قصار لبریزند

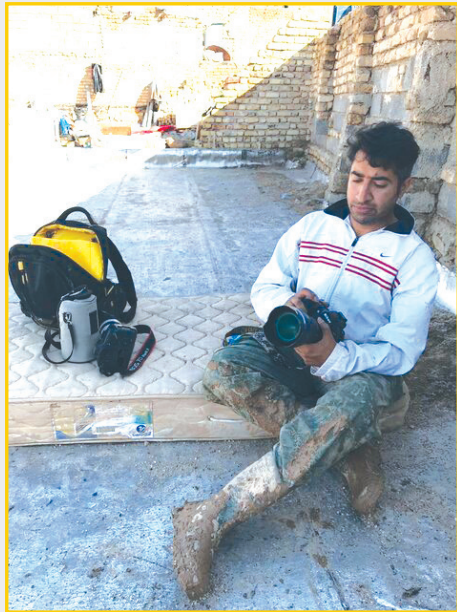
فضای نقد هم به همین ترتیب است. متأسفانه در دنیای رسانه‌های امروز، نقدها یا با هدف تخریب صورت می‌گیرند یا در جهت تشویق و برجسته کردن بدون پشتوانه.

شناخت درست موضوع و مجهز بودن به دانش گسترده پیرامون آن، حفظ بی‌طرفی و جلوگیری از تعمدات در لفظ، توجه به شرایط نقد و پیام‌های مثبت و منفی آن از مهمترین نکاتی است که باید در یک نقد منصفانه مورد نظر قرار بگیرد اما آنچه که امروز می‌بینیم نقد عاری از پشتوانه‌های علمی و پژوهشی و اخلاقی است. قدر مسلم، تحریک عواطف و احساسات عمومی مردم با هدف بزرگ جلوه دادن یک موضوع یا برجسته کردن بخشی از واقعیت، کار یک ژورنالیست حرفه‌ای نیست، بلکه هنر یک روزنامه‌نگار واقعی در امانت‌داری، حفظ واقعیت‌های تثبیت‌شده، مخاطب‌شناسی و ایفای نقش درست در زمینه آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی است.

جامعه روزنامه‌خوان و کتاب‌خوان ما نیاز به همراهی دست‌هایی دارد که قلم را به حرمتش بشناسد و ورق‌پاره‌ها را با مؤلفش. این مهم در سایه بی‌توجهی مدیران فرهنگی و سیاست‌گذاران رسانه‌های کشور، چنان رنگ باخته که جای خود را در میان راه‌شدگی‌های فضای مجازی پیدا نمی‌کند.

در روزگاری که شهروندخبرنگاران ما با به کارگیری ساده‌ترین ابزارهای رسانه‌ای، کانال‌های پرمخاطبی در فضای مجازی تشکیل می‌دهند، جای رسانه‌های مستند و معتبر ملی کجاست؟ این موج عظیم که هر گرداب خبری را در کام تشنه خود فرو می‌برد نیاز به سدی فولادین دارد تا ذهن عرق کرده مخاطب، دستخوش سیالات بی‌نام و نشان رسانه‌ای نشود.

روزنامه‌نگاران امروز نیاز به فضایی دارند که در آن تمرکز و آرامش حاکم باشد. دسترسی به منابع شناختی و آموزشی، ارتقاء کیفی امکانات و ابزارهای رسانه‌ای و احساس امنیت در فعالیت‌های شغلی، حداقل حقوقی است که یک خبرنگار باید از آن برخوردار باشد و نیاز به چانه‌زنی ندارد.



خمودگی‌هایی که امروز در ستون مطبوعات کشور می‌بینیم حاصل ضربه‌هایی است که دانسته یا نادانسته بر قامت فرهنگی و رسانه‌ای وارد شده است. این قامت رنج‌کشیده که سال‌ها ناگزیر به پذیرفتن التهابات مختلف جامعه بوده، امروز منتظر اهرام‌های کمک‌کننده‌ای است تا بتواند در مقابل رویدادهای کمرشکن سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قد علم کند و از هیچ نیروی بازدارنده‌ای نترسد.

شاید بالاخره روزی در آیین‌های پرطمطراق روز خبرنگار، گوشه‌ای دنج برای نام‌های اصیل اما فراموش‌شده عرصه مطبوعات کشور پیدا شود تا روزنامه‌نگاران واقعی در ذهن مخاطبان واقعی خود به امنیت و رستگاری برسند.



مهتاب مظفری سوادکوهی

نقل قول، تحلیل، پردازش، افشاگری، شفاف‌سازی، اطلاع‌رسانی و... هر برچسبی که بر پیشانی متن یک رسانه بخورد، راوی‌اش را از بند تفسیر رها نمی‌کند، مگر آن که رسالت رسانه از جنس دیگری باشد که ما از آن بی‌خبریم. با این همه هستند خبرنگاران و روزنامه‌نگارانی که هنوز از جملات قصار لبریزند و در میان آشفته‌بازار نگویش و سازش، سر به دامان باد نسپرده‌اند. هر سال وقتی به روز خبرنگار نزدیک می‌شویم آزادی بیان، رنگ و لعاب ویژه‌ای می‌گیرد و مطالبه‌گری در صف اول جشنواره‌ها خبردار می‌ایستد. یکی از نداشتن امنیت شغلی می‌گوید و آن دیگری از جایگاه تثبیت‌نشده روزنامه‌نگاران. خبرنگاری از مدیران دستگاه‌های اجرایی و روابط عمومی‌ها می‌نالند و خبرنگار دیگر از حق‌التحریر اندک و نبود ثبات درآمدی. اما تریبون اصلی، دست‌جماعتی است که می‌توانستند پل‌های نساخته پشت سرشان را خراب نکنند که متأسفانه خراب کردند و نساختند.

بعد از رویای تحلیل و تمجید و روبه‌رو شدن با رسانه‌ها، دوباره نوبت به عذرخواهی‌ها و بهانه‌تراشی‌ها می‌رسد که اگر چنین است نگران نباشید، بالاخره یک روز چنان نیز خواهد شد! دغدغه‌هایی که ناگفته، محفوظ‌قلب و ذهن‌شوندگان و مخاطبان است و از فرط تکرار چون شعرواره‌های دوران کودکی، تداعی بخش خلاءهای دیرینه فضای فرهنگی و رسانه‌ای کشور می‌شود.

این وسط مدیرانی هم هستند که به جز شنیدن و شنیده شدن، نقش دیگری ندارند و در روز خبرنگار با چهره وفادارانی ظاهر می‌شوند که از دیرباز مشتری ثابت رسانه‌های جمعی بوده‌اند. بماند که رسانه‌های امروز، بیشتر به عرضه کالا‌های تجاری مشغولند تا تولید کالا‌های فرهنگی!

در آشفته بازار رسانه‌ای امروز که در آن معجون سکرآور از فضاهای مکتوب و مجازی، به خورد جامعه منتظر خیر داده می‌شود تنها چیزی که اهمیت ندارد بسط و گسترش ارزش‌هایی است که جوامع بشری سال‌هاست در تبیین آنها کوشیده‌اند اما راه به جایی نبرده‌اند. شاید این جذابیت خوانش متن است که بر محتوای کاربردی آن می‌چرند و شاید هم تعدد و تنوع اندیشه‌هاست که مسیر را برای جولان دادن بسیاری از شناسه‌های انحرافی در رسانه‌ها باز کرده است.

ژورنالیست کلمه‌ای فرانسوی است که بن‌مایه اروپایی دارد و به کنشگرانی اطلاق می‌گردد که اطلاعات روز و مهم جامعه را پس از پردازش و آماده‌سازی در اختیار مخاطبان و علاقه‌مندان خاص قرار می‌دهند. بررسی و واکاوی منشاء خبر به منظور تأیید صحت و سقم آن، بی‌طرفی و پرهیز از هر گونه غرض‌ورزی در انتشار یا عدم انتشار یک خبر، پرهیز از همدستی با سرشاخه‌های قدرت برای جلوگیری از میزان تأثیرگذاری آنها در پردازش و تحلیل یک خبر یا رویداد، از ابتدایی‌ترین شاخصه‌های حرفه‌ای و اخلاقی یک خبرنگار و روزنامه‌نگار است که متأسفانه در کشور ما تحت‌الشعاع حوادث روزگار، شرایط بد اقتصادی و مافیای سیاست و قدرت قرار گرفته است. البته این موضوع در استان‌های کوچک‌تر به پرنگی پایتخت و استان‌های بزرگ و صنعتی کشور نیست اما به دلیل محرومیت‌های ناشی از سوءمدیریت به‌ویژه در حوزه فرهنگی و اقتصادی، جامعه خبری را به سوی سوژه‌های سودرسان‌تر و تجاری‌تر سوق داده و در برخی موارد خبرنگاران را در حد واسطه‌تاجران بخش خصوصی و آگهی‌گیرهای بخش دولتی تنزل داده است.

در بخش تحلیل، نقد و تولید محتوا نیز جز تعداد معدودی از ژورنالیست‌های هر شهر، استان یا منطقه، متون قابل‌عرضی در رسانه‌های ملی و محلی دیده نمی‌شود و اغلب نشریات و سایت‌های خبری به کپی کردن از دست‌همدیگر و درج مطالب تکراری یا عامیانه روی آورده‌اند.

میدان مشق



محمد لطیف‌کار*

غفلت از نقش رسانه‌های محلی در توسعه

مطبوعات محلی در دهه‌های اخیر رشد چشمگیری داشته‌اند. دلایل این رشد، عمدتاً گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها و همچنین پیچیده شدن روابط نهادها و مؤسسات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مستقر در این نقاط جمعیتی است.

اگر زمانی کشور ما در شهر بزرگی مثل تهران خلاصه می‌شد و بقیه شهرها کوچک و کم‌اهمیت بودند، اینک اما شاهدیم که تعداد کلانشهرها با همه پیچیدگی‌های یک زندگی اجتماعی رو به گسترش است که باعث می‌شود وجود مطبوعات و رسانه‌های محلی به یک نیاز و ضرورت عینی تبدیل شود، در حالی که کیفیت زندگی شهری در مناطق مختلف کشور یکسان نیست و رشد متوازی ندارد. همین امر موجب شده است تا ما در کشور با انواعی از مطبوعات محلی با کیفیت‌های متفاوت مواجه شویم.

به همان میزان که یک منطقه توسعه یافته است انتظار می‌رود مطبوعات محلی آنجا هم از کیفیت و کمیت بیشتری برخوردار باشند. بنابراین وقتی از چالش‌های مطبوعات محلی صحبت می‌کنیم باید دقت کنیم که این چالش‌ها با میزان توسعه‌نیافتگی این مناطق ارتباط معناداری دارند. در مناطق کمتر توسعه‌یافته که سطح تکنولوژی و مدیریت پایین‌تر است مطبوعات در سطح نازل‌تری قرار دارند. در این مناطق نیروی آموزش‌دیده کمتری یافت می‌شود، سطح سواد پایین‌تر است و رغبت کمتری به سرمایه‌گذاری و تأسیس یک بنگاه مطبوعاتی وجود دارد. از بنگاه‌های اقتصادی بزرگ که به وجود رسانه نیازمند باشند یا به صرف توجه به مسئولیت اجتماعی خود از مطبوعات حمایت کنند نیز خبری نیست. سازمان‌های اداری، گستردگی و پیچیدگی لازم را ندارند تا به اهمیت نقش و کارکرد رسانه‌ها و وقوف داشته باشند. حوزه سیاست و فرهنگ از تنوع و کیفیت لازم برخوردار نیست تا مطبوعات در نقش واسط و تسهیل‌گر امور، ایفای نقش کنند.

می‌خواهم تأکید کنم که رسانه‌های محلی، تافته جداافتاده‌ای از جامعه پیرامونی خود نیستند. این رسانه‌ها زمانی توسعه می‌یابند که جامعه یا پیشرفته باشد یا دست‌کم آهنگ رشد و توسعه در آن به‌طور جدی در حال نواختن باشد. در این گونه جوامع مطبوعات و انواع رسانه‌ها می‌توانند به نوبه خود نقش مهمی در پیشبرد پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه ایفا کنند. این که امروز می‌بینیم مطبوعات محلی در توسعه درجا می‌زنند یا دچار بن‌بست هستند، عمدتاً به خاطر آن است که کل پروژه توسعه در کشور دچار چالش شده یا دست‌کم نظام حکمرانی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، اهمیت ناچیزی قائل است. به‌عنوان کسی که حدود دو دهه است مستقیماً درگیر مطبوعات محلی هستم، معتقدم شوربختانه، فعالان اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در جای‌جای کشور، کمترین بهره را از توان و ظرفیت واقعی مطبوعات محلی را می‌برند. قدرت سهم‌خواهی و مطالبه‌گری آن‌ها در امر توسعه غالباً به قدری اندک است که به حساب نمی‌آیند. هیچ کدام از این گروه‌های اجتماعی و حتی نهادهایی که به عنوان یک نهاد مدنی شناخته می‌شوند از ظرفیت رسانه‌ها برای ارتقای سطح دانش اجتماعی این مناطق بهره نمی‌برند و به گمان من تا این نوع نگرش تغییر نکند این مناطق مهبلی رشد نشده‌اند.

در این گونه جوامع که عموماً جامعه مدنی بسیار ضعیف است و احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌ها هم تقریباً هیچ نقشی ندارند، مطبوعات محلی می‌توانند به عنوان یک انرژی قابل ملاحظه در آگاهی‌بخشی به مردم و تسهیل روابط اجتماعی نقش مهمی داشته باشند. از این رو به نظر من فعالان و دلسوزان این مناطق نباید اهمیت رسانه‌های محلی را در پیشبرد برنامه‌های توسعه محلی دست‌کم بگیرند و نقش مطبوعات را به تسهیل پیام‌رسانی قدرت‌های سیاسی محلی و روابط عمومی ادارات تنزل دهند. باید یک نهضت سرمایه‌گذاری و ارتقای سطح مطبوعات محلی در کل کشور شکل بگیرد تا در سال‌های آینده باز هم افسوس نخوریم که چرا جامعه ایران با وجود همه ظرفیت‌هایش برای توسعه، همچنان عقب مانده است.

* روزنامه‌نگار، مدیرمسئول پایگاه خبری فردای کرمان و سردبیر هفته‌نامه

محلی استقامت